

شناسایی و طبقه‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی در ایران

احمد جمالی¹

مرتضی خانی²

علی صفاری دربرزی³

چکیده

تحقیق حاضر در پی شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران است. در این راستا با بررسی ادبیات موضوع و با رعایت الزامات تعریف عوامل موثر، شاخص‌های عملکرد شناسایی می‌شوند. جامعه آماری این تحقیق شامل اساتید دانشگاه‌های یزد و علامه طباطبائی تهران و همچنین مدیران، کارشناسان و خبرگان سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد 143 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. اهمیت این شاخص‌ها از طریق توزیع پرسشنامه بین مدیران، خبرگان و کارشناسان سرمایه‌گذاری خارجی، مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، تجزیه و تحلیل شده و در نهایت شاخص‌ها به ترتیب در 7 دسته (1) تکنولوژی، (2) نقش‌های FDI، (3) اثر منطقه‌ای، (4) تامین مالی، (5) زیرساخت‌ها، (6) ملیت و (7) فرهنگ قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عوامل تعیین‌کننده

Keywords: Foreign Direct Investment, Spillovers of FDI, Crucial Factors.

JEL Classification: G15, C23.

¹ دکتری مدیریت تولید، دانشگاه تهران، قائم مقام سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران

² کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

³ دانشجوی دکتری مدیریت تولید دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

1- مقدمه

در اغلب کشورها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک مولفه‌ی مهم در استراتژی توسعه و سیاست‌های محرک جریان‌های داخلی در نظر گرفته می‌شود. تاثیرگذارترین محرک را می‌توان سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نام برد چرا که این محرک در برگیرنده شالوده شرکت‌های چندملیتی¹ (صاحب تکنولوژی‌های تولید، فرایند و توزیع) همچون مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی است (Blomstrom & Kokko, 1998: 271). مطالعات حوزه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نشان داده که شرکت‌های چندملیتی دارای مزایای منحصر به فردی همچون تکنولوژی‌های برتر، پتنت‌ها، رازهای تجاری، نام‌های تجاری، تکنیک‌های مدیریتی و استراتژی‌های بازاریابی می‌باشند (Dunning, 1993: 33). درونی‌سازی برخی از این مزیت‌ها ممکن است به صورت کامل اتفاق نیفتاده باشد، از این رو فرایند سرریز به سمت کشور میزبان هدایت می‌شود.

فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالا بردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته باید خاطر نشان کرد که ضعف مدیریت و سیاست‌های نادرست در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه داشته باشد. با توجه به نقش مهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورها برای جذب این نوع سرمایه تلاش می‌کنند. در واقع، در بازار جهانی جذب این سرمایه‌ها بسیار رقابتی است. این رقابت به‌ویژه میان کشورهای در حال توسعه با توجه به لزوم دستیابی سریع به توسعه و کمبود منابع مالی بیشتر است. این کشورها در پی جذب انواع سرمایه هستند و به این منظور تمهیدات گوناگونی برای جذب این نوع سرمایه‌ها بکار می‌برند.

ایران نیز در دو قرن اخیر با کمبود سرمایه‌گذاری و تولید مواجه بوده است. بنابراین، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی قابل قبول همواره در صدر اهداف برنامه‌های توسعه کشور قرار داشته است. لازمه رشد اقتصادی و تولید بیشتر، سرمایه‌گذاری افزون‌تر است. در این تحقیق سعی شده است که برخی عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله نقش متغیرهایی همچون

¹ در این مقاله منظور از شرکت‌های چند ملیتی آن دسته از شرکت‌های چند ملیتی است که خود صاحب تکنولوژی‌های تولید، فرایند تولید و توزیع می‌باشند.

درجه بازبودن اقتصاد، سرمایه انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی، منابع طبیعی در دسترس، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی (اندازه دولت) و حق ثبت اختراع مورد بررسی قرار گیرد. تحقیق حاضر در پی شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران می‌باشد. در این راستا با بررسی ادبیات موضوع و با رعایت الزامات تعریف عوامل موثر، شاخص‌های عملکرد شناسایی می‌شوند. اهمیت این شاخص‌ها از طریق توزیع پرسشنامه بین مدیران، خبرگان و کارشناسان سرمایه‌گذاری خارجی، مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تحلیل عاملی اکتشافی، تجزیه و تحلیل شده است.

2- مبانی نظری تحقیق

انتقال تکنولوژی نقش محوری در فرایند توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. در همین راستا، انتقال تکنولوژی موضوع غالب در بحث شرکت‌های چندملیتی و رابطه آنها با کشورهای در حال توسعه می‌باشد و این بدین علت است که تکنولوژی از منابع حیاتی برای رشد اقتصادی، تجمع سرمایه، تجارت و حتی تغییر در سازماندهی روابط اجتماعی و تولید به شمار می‌رود. به این نکته می‌بایست اشاره نمود که هر تکنولوژی جدید فایده و مزیتی برای پدیدآورنده آن به همراه می‌آورد که مهم‌ترین آن‌ها در حوزه رقابت، انحصار در مالکیت تکنولوژی است. در هر صورت صاحبان تکنولوژی می‌توانند نسبت به فروش امتیاز تکنولوژی به دیگران و یا استفاده مستقیم در تولید اقدام کنند. بدین لحاظ، امروزه یکی از اهداف مورد نظر و با اهمیت کشورهای در حال توسعه در زمینه سرمایه‌گذاری و نقل و انتقال سرمایه، انتقال تکنولوژی است (Blomstrom & Kokko, 1998: 271).

از آنجا که تکنولوژی به عنوان کالائی ارزشمند در انحصار دارنده آن است، دستیابی به آن به راحتی امکان‌پذیر نبوده و بدین منظور شیوه‌هایی مختلف پیش‌بینی شده است. یکی از روش‌های مهم انتقال تکنولوژی، از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، انتقال تکنولوژی با این شیوه را سرریز مستقیم خارجی می‌نامند که موفقیت یا عدم موفقیت در اخذ تکنولوژی توسط کشور میزبان با استفاده از این روش به عوامل متعدد بستگی دارد (Dunning, 1993: 34). مهم‌ترین تمایز مابین سرریزهای مستقیم خارجی و انتقال تکنولوژی این است که نوآوری از انتقال دانش

حاصل از کدام یک بهترین سود را می برد. از سوی دیگر دایننگ¹ (2008) چهار انگیزه استراتژیک برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی را شناسایی نموده است. این انگیزه ها عبارتند از:

1- سرمایه گذاری به منظور دسترسی به منابع اولیه

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، زمانی به منظور دسترسی به منابع اولیه خواهد بود که هدف آن دسترسی به منابعی است که در کشور اصلی وجود نداشته یا هزینه دسترسی به آن بالا است. خروجی این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی عمدتاً صادر می شود.

دایننگ، سه نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به منظور دسترسی به منابع اولیه شناسایی و معرفی نموده است. اولین نوع شامل سرمایه گذاری هایی است که در جستجوی منابع فیزیکی هستند. به عنوان مثال می توان از شرکت هایی که به دنبال تامین منابع کم هزینه و تضمین شده مواد خام، منابع نفت و گاز، محصولات کشاورزی و مواد معدنی هستند و یا شرکت های فعال در صنعت خدمات آموزشی و بهداشتی و توریسم نام برد. گروه دوم، شرکت هایی هستند که به دنبال نیروی کار نیمه ماهر یا غیر ماهر کم هزینه می باشند. این گروه شایسته زیادی با سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور افزایش کارایی دارند. سومین طبقه، سرمایه گذاری با هدف کسب دانش، قابلیت ها و تجارب در زمینه هایی از جمله بازاریابی، مدیریت و توسعه و بکارگیری تکنولوژی است. این نوع از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور استفاده از دارایی های استراتژیک به کار می رود.

2- سرمایه گذاری به منظور دسترسی به بازار

هدف این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی، ارائه خدمات و کالا در بازار محلی و یا بازار کشورهای همسایه است. دایننگ دلایل این نوع سرمایه گذاری را به چهار نوع تقسیم کرده است: اولین نوع سرمایه گذاری توسط مشتریان یا تامین کنندگانی که تسهیلات تولید داخلی را راه اندازی می کنند، تعریف می شود. شرکت سرمایه گذار برای حفظ کسب و کار خود در جستجوی مشتریان و تامین کنندگان خود وارد بازارهای خارجی می شود. دومین نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور دسترسی به بازار با نیاز تطبیق محصول با سلیق محلی تعریف می شود.

تولیدکننده داخلی بدون آشنایی با بازار محلی، هیچ مزیتی در مقابل تولیدکنندگان داخلی نخواهد داشت. سومین دلیل برای این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی، عبارت از هزینه های بالای حمل و نقل و تعرفه تبیین شده توسط دولت و سایر موانع ایجاد شده توسط دولت است. این نوع تعرفه ها

¹. Dunning (2008)

سوددهی صادرات را کاهش داده و از تولید داخلی در مقابل واردات محافظت می‌کند. چهارمین دلیل این است که ممکن است یک شرکت حضور در بازاری را که توسط رقبا پیش‌تحمیل می‌شود، ضروری بداند، چراکه با ورود خود به بازار باعث کاهش قیمت می‌شود و تاثیر این کاهش قیمت بر رقیب، بیشتر از تاثیر آن بر خود شرکت است.

3- سرمایه‌گذاری به منظور افزایش کارایی

محرك این نوع سرمایه‌گذاری، عقلایی کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منظور دسترسی به منابع و بازار است. در این نوع سرمایه‌گذاری، تولید در مکان‌های محدود متمرکز شده و از اقتصاد به مقیاس و ارائه محصولات به بازارهای مختلف سود می‌برد. شرکت‌هایی که هدف آنها از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش کارایی است، معمولاً بزرگ و متنوع بوده و محصولات استاندارد را با فرایندهای استاندارد تولید می‌کنند.

دایننگ، دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به منظور افزایش کارایی شناسایی نموده است. اولین نوع، درصد سود بردن از هزینه‌های عوامل متفاوت در کشورهای مختلف است. دومین نوع، در کشورهایی با ساختار اقتصادی مشابه و با هدف سود بردن از اقتصاد مقیاس، اقتصاد دامنه و قابلیت تامین مختلف اتفاق می‌افتد. عواملی نظیر کیفیت صنایع تامین‌کننده و سیاست‌های دولت، این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

4- سرمایه‌گذاری به منظور استفاده از دارایی‌های استراتژیک

این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درصد حفظ یا بهبود رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت سرمایه‌گذاری است. این هدف از طریق بهره‌برداری از مزایای هزینه‌ای یا بازاریابی خاص حاصل می‌شود اما اغلب درصد کسب دارایی‌های شرکت‌های خارجی با هدف تقویت موقعیت رقابتی است. حال با توجه به اهمیت موضوع انتقال تکنولوژی و مبحث سرریز مستقیم خارجی و همچنین اهمیت تاثیر سرریز مستقیم خارجی در ایران، در این تحقیق به بررسی اثرات سرریز مستقیم خارجی در ایران پرداخته شده است، بدین ترتیب لازم است که ابتدا عوامل تعیین‌کننده بر سرریز مستقیم خارجی شناسایی شده و سپس طبقه‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعیین شود.

2-1- مفهوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی¹

از FDI تعاریف متفاوتی از سوی نویسندگان و نهادهای مختلف به عمل آمده است. عماد موسی²، FDI را اینگونه تعریف می‌کند: فرآیندی که در آن افراد حقوقی یک کشور (کشور منبع)، مالکیت تجهیزات یک شرکت از کشور دیگر را بدست می‌آورد، با این هدف که کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیت‌های آن شرکت را بدست آورد (3: Moosa, 2002).

از نظر آنکتاد³، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتست از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است (UNCTAD, 2006).

سرریز⁴ عبارت است از انتقال تکنولوژی، فرایند به اشتراک‌گذاری مهارت، دانش، روش‌های تولید میان دولت‌ها و نهادهای دیگر (801: Herzerd & Klasen, 2008). سرریزهای FDI می‌توانند از طریق 5 مسیر عمده اتفاق بیافتند:

اولین و مهم‌ترین مسیر مشهود سرریز، نمایش تجربی توسط شرکت‌های چندملیتی و تقلید توسط بنگاه‌های کشور میزبان می‌باشد (172: Das, 1987). معرفی یک تکنولوژی جدید در یک بازار معین ممکن است برای یک بنگاه محلی، به شدت گران باشد و به علت هزینه‌های کسب دانش آن تکنولوژی و عدم قطعیت نتایجی که ممکن است از طریق آن تکنولوژی کسب شوند، دارای ریسک بالا باشد. اگر یک تکنولوژی توسط یک شرکت چند ملیتی به صورت موفقیت‌آمیزی به کار گرفته شود آنگاه بنگاه‌های محلی برای تطبیق با آن تکنولوژی ترغیب می‌شوند. استروبل⁵ و باریوس⁶ (2002)، پیشنهاد نمودند که رابطه این اثر با همگونی کالاهای تولید شده توسط دو گونه بنگاه در مورد سرریزهای مرتبط با تکنولوژی تولید و فرآیند، افزایش می‌یابند. به هر حال انواع دیگری از تکنولوژی وجود دارند که ممکن است سرریز داشته باشند مثل تکنولوژی بازاریابی و مدیریتی. در این موارد، همگونی محصولات ممکن است دارای اهمیت چندانی نباشند (Barrios & Strobl, 2002: 462).

1. Foreign Direct Investment (FDI)

2. Moosa

3. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

4. Spillover

5. Strobl

6. Barrios (2006)

مسیر دوم در ارتباط با امکان‌پذیری بنگاه‌های داخلی در بکارگیری کارگرانی که قبلاً در شرکت‌های چندملیتی فعالیت نموده‌اند و دارای دانش و تجربه در استفاده از تکنولوژی و توانایی به کارگیری آن در بنگاه داخلی‌اند، می‌باشند (Glass & Saggi, 2002: 500). با این حال، می‌بایست به این نکته تاکید نمود که یک اثر منفی در این مسیر وجود دارد و آن این است که شرکت‌های چند ملیتی ممکن است بهترین کارگران بنگاه‌های داخلی را از طریق پرداختن دستمزدهای بالاتر جذب نمایند (Sinani & Meyer, 2002: 193). تاثیر تحرک نیروی کار بر کارایی بنگاه‌های داخلی (محلی) و ردیابی کارگران به منظور بررسی اثرشان بر روی بهره‌وری دیگر کارگران، برای ارزیابی مشکل است. بنابراین، جای تعجب نیست که کمبود مطالعات زیادی در مورد این جنبه خاص وجود دارد (Saggi, 2002: 193).

مسیر سوم، صادرات از طریق حضور شرکت‌های چندملیتی‌ای می‌باشد که ممکن است به سود بنگاه‌های داخلی باشد (Greenaway et al, 2004). چندین مطالعه اهمیت تاثیر مثبت شرکت‌های چندملیتی بر روی ظرفیت صادرات بنگاه‌های داخلی را برجسته نموده‌اند. فعالیت صادرات در میان جنبه‌های دیگر، شامل هزینه‌های مرتبط با تاسیس شبکه‌های توزیع، زیرساخت‌های حمل و نقل یا دانش علائق مشتری‌ها در بازارهای خارجی می‌باشد که شرکت‌های چند ملیتی قادر به تحمل این هزینه‌ها می‌باشند. با پیروی نمودن از فرآیندهای صادرات بنگاه‌های خارجی (از طریق تقلید یا در شرایط خاص از طریق همکاری)، توسط بنگاه‌های داخلی، ممکن است هزینه‌های موجود در بازار خارجی کاهش یابد. منافع حاصل شده در این روش ممکن است اثرات مطلوبی بر روی کارایی بنگاه‌های داخلی داشته باشد (Rhee, 1990: 335).

رقابت فزاینده توسط شرکت‌های چندملیتی در مسیر چهارم سرریزهای FDI، قرار می‌گیرد (Markusen, 1999: 338). از یک سو، رقابت در اقتصاد داخلی مابین بنگاه‌های چند ملیتی و بنگاه‌های داخلی یک محرک یا انگیزه برای استفاده هر چه موثرتر از منابع موجود و تکنولوژی موجود یا حتی پذیرش تکنولوژی‌های جدید به شمار می‌رود و از سوی دیگر، قدرت بازاری بنگاه‌های داخلی را محدود می‌نماید. به هر حال، کارایی بنگاه‌های داخلی به صورت منفی بر روی این مسیر تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، حضور شرکت‌های چند ملیتی ممکن است به طور غیرمستقیم زیان‌ها و خسارات قابل توجهی بر روی سهم بازار بنگاه‌های داخلی و واداشتن آنها به فعالیت در یک مقیاس غیر کارا و تقبل هزینه‌های بیشتر، داشته باشد (Aitken & Harrison, 1999: 609).

مسیر نهایی یا مسیر چهارم، در ارتباط با روابط بنگاه‌های داخلی در بازارهای محلی با شرکت‌های چند ملیتی یا مشتریان نهاده‌های واسطه‌ای¹ تولید شده از طریق آنها (ارتباطات پیش‌رو) برقرار می‌نمایند، می‌باشد (Lin & Saggi, 2004). این خلاصه کوتاه از مسیرهای سرریز، نشان دهنده‌ی وجود چندین اثر می‌باشد. همچنین متمایز نمودن مسیرها از یکدیگر به علت مکانیزم سرریزهای تکنولوژی از FDI که پیچیده و اغلب وابسته به یکدیگر است، به سادگی امکان‌پذیر نمی‌باشد (Kinoshita, 2001).

2-2- محدودیت‌های ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

1- ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی

ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری کشورهای خارجی در ایران، بیشتر از هر چیز ناشی از تجربه ناموفق تاریخی در این زمینه می‌باشد و در شکل‌گیری این ذهنیت و باور، سیاست‌های نادرست و اقدامات وطن‌فروشانه رژیم شاهنشاهی سهم قابل ملاحظه‌ای را دارا می‌باشد.

2- ریسک بالای سرمایه‌گذاری در کشور

اولین و مهم‌ترین عاملی که سرمایه‌گذار هنگام سرمایه‌گذاری به آن توجه خواهد کرد، میزان ریسک کشور یا محیط سرمایه‌پذیر است، چراکه همیشه در یک فرایند سرمایه‌گذاری، حداقل باید از سه چیز اطمینان حاصل کند: حفظ اصل سرمایه، بازگشت سود سرمایه (با ریسک قابل قبول) و امنیت محیط کسب و کار، که در صورت وجود چنین شرایطی، به سرمایه‌گذاری اقدام می‌کند. از آنچه باعث می‌گردد تا اطمینان سرمایه‌گذار در مورد این سه عامل سلب گردد، تحت عنوان "ریسک" یاد می‌شود. به زبانی دیگر، پتانسیل یک کشور یا محیط در فرار سرمایه و یا نقص قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های منعقد شده با دول یا شرکت‌های خارجی به هر دلیلی اعم از رخدادهای سیاسی، اقتصادی، مالی و غیره در کشورهای پذیرنده سرمایه را ریسک آن کشور می‌نامند.

3- توسعه نامناسب بازار مالی

ساختار مالی ایران پس از انقلاب و تصویب قانون بانک‌داری بدون ربا، به سمت محوریت نظام مالی بانکی حرکت کرده است و اساساً این نظام مبتنی بر بانک است. تصویب این قانون موجب حضور بانک‌ها در چرخه فعالیت بخش واقعی اقتصاد و ارائه خدمات مالی گسترده شده است. از

¹. Intermediate Inputs

سویی دیگر، ناتوانی بازار سرمایه در جذب سرمایه‌گذاران، به علل مختلف از جمله؛ نرخ‌های سود غیر تعادلی در بازار پول و تلاش سیاست‌گذاران در کنترل غیر متعارف نرخ سود اوراق بهادار، نبود قوانین مناسب، حمایت دولت از بخش دولتی اقتصاد، نبود نیاز بخش‌های اقتصادی از تامین مالی عمومی و مواردی از این قبیل باعث شده تا بازار سرمایه ایران به توانمندی‌های واقعی یک بازار مالی دست نیابد و کشور نتواند از ابزارهای گوناگون مالی معمول و مطرح دنیا برای تجهیز منابع و جذب سرمایه‌گذاری استفاده نماید.

4- امنیت مالی و بیمه سرمایه‌گذار

حتی اگر انگیزه‌های اقتصادی، مالی و فنی برای سرمایه‌گذاری کاملاً مساعد باشد، اما سرمایه‌گذار با خطراتی از قبیل سلب مالکیت، عدم امنیت مالی و جانی، ریسک انتقال پول، نقض قرارداد و غیره مواجه باشد، وی اقدام به سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. سرمایه‌گذاری و بویژه سرمایه‌گذاری خارجی که در محیط خارج از موطن اصلی خودش به کسب و کار می‌پردازد، حساسیت زیادی نسبت به خطرات فوق دارد و همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، امنیت سرمایه و سود برای سرمایه‌گذار مهم‌ترین عامل است. در راستای رفع این نگرانی، کشورها از ابزارها و روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند تا نگرانی سرمایه‌گذار را به حداقل ممکن برسانند. در یکی از این روش‌ها، قوانین بیمه کشور بین اتباع داخلی و خارجی تبعیض قائل نمی‌شود و در صورت بروز حوادث و خطرات، با پرداخت خسارت عادلانه، زیان آنها را جبران می‌کند.

5- مقررات اداری پیچیده

یکی از مواردی که موجب سرخوردگی سرمایه‌گذار می‌شود، مقررات اداری پیچیده و طی کردن مراحل اداری زیاد چه در هنگام ورود سرمایه و چه هنگام اجرای برنامه است. در اکثر کشورهای دنیا با کاستن مراحل اداری پیچیده و تسهیل شرایط، از بروز سرخوردگی سرمایه‌گذار جلوگیری می‌کنند. در ایران به دلایل ناشی از اقتصاد دولتی، حجم عملیات بروکراتیک در جذب و به کارگیری سرمایه بالاست. در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذار خارجی، تدابیری برای کاستن این مراحل و تسهیل امور اداری مربوط به بررسی برنامه‌ها و ارائه پاسخ و صدور مجوزهای لازم برای سرمایه‌گذاری و همچنین ایجاد مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی اتخاذ شده است.

3- پیشینه تحقیق

جدول 1: برخی از پژوهش‌های انجام گرفته

پژوهش گر	عنوان پژوهش	کشور مورد مطالعه	سال مورد مطالعه	نتایج
موسی احمد ¹	آیا سربزه‌های FDI، روی رشد اقتصادی مازنی موثر است؟	مازنی	2012	جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نهاده‌های استفاده شده دارای اثر منفی بر بهره‌وری کل عوامل تولید هستند.
الگیو کیل و همکاران ²	رشد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی: نقش محیط نهادی و اقتصاد کلان	فرانسه	2011	دولت‌های کشور میزبان باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها را توسعه دهند که نه تنها بر افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده توجه داشته باشند بلکه چارچوب اقتصادی و سیاسی آن‌ها را نیز توسعه دهد.
دویچ و یوکتوم ³	آیا حرکت جهانی از FDI تولیدی (کارخانه‌ای) به خدمات به رشد اقتصادی سرعت می‌بخشد؟	انگلیس	2011	انتقال از FDI تولیدی (کارخانه‌ای) به خدمات به احتمال زیاد منجر می‌شود به ضد صنعتی شدن در برخی مناطق خاص و انواعی از اقتصاد اگر این انتقال با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی غیر مالی منتقل شود.
چونگ و همکاران ⁴	جریان سرمایه بخش خصوصی، بازار سهام و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته	چین، تایوان، سنگاپور	2010-2009	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر رشد دارد در حالی که بدهی خارجی و سرمایه‌گذاری پر تقابلی اثر منفی بر رشد در تمام کشورهای مورد مطالعه دارد.
آزمان - ساینی و همکاران ⁵	FDI و رشد اقتصادی	آفریقای شمالی	2010	تاثیر مثبت FDI بر رشد اقتصادی
فراوسن و هنریک ⁶	FDI و کشورهای در حال توسعه؛ چگونه شرکت‌های بین‌المللی جذب می‌شوند؟	هند	2004	متغیرهای جریان FDI در سال‌های قبل، ذخیره ی FDI، رشد اقتصادی، زیرساخت‌ها و بهره‌وری، نقش تعیین کننده‌ای بر جریان FDI دارند و تمام ضرایب متغیرهای فوق معنی دار است.
اندرا دسوسا ⁷	FDI، دموکراسی و توسعه	یونان	2003	FDI می‌تواند یک نقش حمایتی برای دموکراسی بازی کند و رشد اقتصادی به مراتب بالاتری را نسبت به سرمایه داخلی به همراه داشته باشد.
آسیدیو ⁸	تعیین کننده‌های FDI در کشورهای در حال توسعه، آیا آفریقا متفاوت است؟	آفریقا	2002	متغیر باز بودن اقتصاد، زیرساخت‌ها و نرخ بازگشت سرمایه به عنوان عوامل موثر بر FDI دارای معنی هستند.

1. Musa

2. Alguacil & Cuadros

3. Doytch & Uctum

4. Choong et al

5. Azman et al

6. Frawsen & Henrik

7. Indra de soysa

8. Asiedu

آموزش و باز بودن اقتصاد از عوامل موثر بر جذب FDI است و متغیرهای بازار، جمعیت و رشد حقیقی اقتصاد نقش تعیین کننده‌تری در جذب FDI دارند.	2002	سنگاپور، تایوان، تایلند، مالزی	تعیین کننده‌های FDI در کشورهای در حال توسعه، آیا جهانی سازی روش های بازی را تغییر داده است؟	کامپ ¹
نه تنها FDI می‌تواند منجر به تحریک رشد اقتصادی این کشورها گردد، بلکه میزان اثرگذاری این متغیرها بسیار موثرتر از اثرگذاری سرمایه‌های انسانی و عوامل تکنولوژیک می‌باشد.	1998-2001	کشورهای آسان	بررسی اثرات FDI بر رشد اقتصادی کشورهای ASEAN	سالتر و فورد ²
عوامل اندازه بازار، رشد تولید ناخالص داخلی، دستمزد کارای بخش صنعت، دوردستی، ذخیره FDI، و باز بودن اقتصاد، به صورت معنی داری بر میزان FDI موثر هستند.	1997	برزیل، هنگ کنگ	تعیین کننده‌های مکانی FDI در کشورهای در حال توسعه	چانلای ³
ارتباط مثبت و معنادار میان رشد اقتصادی و جریان FDI وجود دارد. شواهد قوی از علیت گرتجری میان این دو متغیر در تمام گروه‌های درآمدی وجود دارد.	1390	ایران	رشد اقتصادی و FDI در کشورهای در حال توسعه	احمدی و همکاران
سهم جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده به صورت غیرمعناداری از حقوق ثبت اختراع یا حق انحصاری مالکین فکری کشورهای میزبان تأثیر می‌پذیرد.	1995	آمریکا	اثرات حقوق ثبت اختراع در FDI	کندو ⁴
نتایج بررسی وی بیانگر آن است که اندازه بازار، هزینه نیروی کار، نسبت ثبت نام شدگان دوره متوسطه و بدهی خارجی، عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند و تمام ضرایب تخمینی معنادار هستند.	2003	کینا	جریان FDI از ابتدا تا اکنون برای توسعه کشورها	آکینگبا ⁵
عوامل تعیین کننده جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در عربستان، عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و سطح فعالیت‌های اقتصادی همراه با متغیرهای مرتبط با ساختار بازگشت سرمایه، درجه باز بودن اقتصاد و محیط اقتصادی نیز به‌عنوان عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شوند.	2002	انگلیس و عربستان	تعیین کننده‌های FDI در انگلیس و عربستان	عبدالرحمان ⁶

1. Kamp

2. Ford & Slater

3. Chunlai

4. Kondo

5. Akinkugbe

6. Abdel Rahman

4- روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بود که به شکل میدانی به اجرا درآمد. قلمرو مکانی این تحقیق کشور ایران بوده است، که با توجه به هدف این تحقیق جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مدیران ارشد و متخصصین حاضر در حوزه سرمایه‌گذاری بوده و برای محاسبه نمونه آماری از فرمول تعیین حجم نمونه برای جامعه محدود (کوکران) استفاده شده است که حجم نمونه $n=140$ تعیین شد، اما برای بالا بردن دقت تحقیق و همچنین با توجه به اینکه این تعداد حداقل حجم نمونه می‌باشد، 160 نفر بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند که 143 نفر از آنها با این تحقیق همکاری نمودند. برای گردآوری اطلاعات جهت انجام این تحقیق از ابزار پرسشنامه 22 عاملی استفاده شده است، که مولفه‌های این پرسشنامه بر اساس مطالعه ادبیات تحقیق و در نهایت بر اساس نظرسنجی از خبرگان با استفاده از روش دلفی استخراج شده‌اند.

جهت تعیین روایی پرسشنامه، پرسشنامه تهیه شده مورد بحث و بررسی خبرگان و محققان منتخب در حوزه سرمایه‌گذاری قرار گرفت. پس از روایی‌سنجی پرسشنامه مذکور یک مطالعه مقدماتی صورت گرفت و با توجه به ضریب پایایی پرسشنامه، آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/874$)، بدست آمده پایایی پرسشنامه تایید شد.

4-1- تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی، روشی ریاضی برای تقلیل داده‌ها¹ است. در واقع منطق تحلیل عاملی کاهش مجموعه بزرگی از متغیرها به چند عامل اساسی است. طبیعتاً این عامل‌ها طبق ساز و کارهای این آزمون استخراج می‌شود. به عبارت دیگر تحلیل عاملی به مجموعه‌ای از فنون آماری اشاره می‌کند که هدف مشترک آنها ارائه‌دادن مجموعه‌ای متغیر بر حسب تعداد کمتری متغیر فرضی است (کلاین، 1380). هدف تحلیل عاملی تشخیص این عامل‌های مشاهده‌ناپذیر بر پایه مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده‌پذیر است. عامل، متغیر جدیدی است که از طریق ترکیب خطی نمره‌های اصلی متغیرهای مشاهده شده برآورد می‌شود. داده اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی بین متغیرهاست. تحلیل عاملی، متغیرهای وابسته‌ی از قبل تعیین شده‌ای ندارد. در روش تحلیل عاملی

¹. Data Reduction

اکتشافی محقق درصدد کشف ساختار زیربنایی مجموعه نسبتاً بزرگی از متغیرهاست و پیش فرض اولیه محقق این است که هر متغیری ممکن است با هر عاملی ارتباط داشته باشد. به عبارت دیگر محقق در این روش، هیچ تئوری اولیه‌ای ندارد. هدف از تحلیل عاملی اکتشافی، بررسی یک حوزه برای کشف ابعاد یا سازه‌های اصلی آن زمینه است. قاعده بر این است که محققان تا حد امکان متغیرهای بسیاری را وارد تحلیل کنند تا دریابند که کدام یک از آنها روی عامل مورد نظر، بار عاملی دارد. برای اجرای یک تحلیل عاملی چهار گام اساسی ضرورت دارد: 1) تهیه یک ماتریس همبستگی از تمام متغیرهای مورد استفاده در تحلیل و برآورد اشتراک، 2) استخراج عامل‌ها، 3) انتخاب و چرخش عامل‌ها برای ساده‌تر ساختن و قابل فهم‌تر کردن ساختار عاملی، 4) تفسیر نتایج (خاکی، 1389). لازم به ذکر است در تحقیق حاضر اجرای تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی به کمک نرم‌افزار SPSS18 انجام گرفته است.

4-2- سوالات پژوهشی

سوالات پژوهشی تحقیق حاضر، عبارتند از:

- 1- عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران کدامند؟
- 2- میزان اهمیت هر یک از این عوامل برای ایران چقدر است؟

5- یافته‌های تحقیق

در بخش اول با مرور ادبیات و مصاحبه با افراد خبره، تمامی متغیرها شناسایی شدند که بالغ بر 22 متغیر است. این متغیرها در جدول زیر توضیح داده می‌شود و در بخش دوم از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای دسته‌بندی و اولویت‌بندی عوامل استفاده می‌شود.

جدول 2: شناسایی متغیرها

مطالعات اشاره کننده به شاخص	شاخص	ردیف
(Kinoshita, 2001) (Keller & Yeaple, 2003)	ظرفیت جذب	1
(Kanturia, 2000, 2001, 2002) (Barrios et al 2002) (Karpaty & Lundberg, 2004) (Damijan et al, 2003)	شکاف تکنولوژیکی	2
(Ponomareva, 2000) (Imbriani & Reganati, 1999) (Sgard, 2001) (Kokko, 1994) (Dimelis, 2005)	زیرساخت های پشتیبانی	3
(Yudaeva et al, 2003) (Ponomareva, 2000) (Girma & Wakelin, 2001) (Girma, 2003) (Torlak, 2004)	اثر منطقه ای (فاصله (مسافت))	4
(Blomstrom & Sjöholm, 1999) (Ponomareva, 2000) (Sinani & Meyer, 2004) (Li et al, 2001)	مشخصه های بنگاه داخلی (اندازه)	5
(Banga, 2003)	فرهنگ و زبان	6
(Karpaty & Lundberg, 2004) (Haskel et al, 2002)	سطوح تکنولوژی	7
(Javorcik et al, 2004) (Hu and Jefferson, 2002) (Dimelis & Louri, 2002)	مدل های انتقال تکنولوژی	8
(Takii, 2005)	ساختارهای بخشی FDI	9
(Javorcik & Spatareanu, 2003)	نقش ملیت	10
(Javorcik, 2004) (Ramachandran, 1993)	درجه ی مالکیت خارجی پروژه های سرمایه گذاری	11
(Kokko et al, 2001) (Kohpaiboon, 2006) (Li et al, 2001) (Javorcik, 2004)	محیط سیاسی تجاری	12
(Karpaty & Lundberg, 2004) (Driffield & Love, 2003a) (Bhagwati, 1978)	حقوق مالکیت فکری	13
(Driffield and Love, 2003a) (Girma, 2003) (Fosfuri et al, 2001).	نوع آموزش	14
(Rodriguez-Clare, 1996)	ورودی های واسطه ای	15
(Kogut & Chang, 1991) (Fosfuri & Motta, 1999)	ارزش تکنولوژی (سطح نوآوری)	16
(Driffield & Love, 2003a, 2003b)	پیچیدگی تکنولوژیکی	17
(Karpaty & Lundberg, 2004)	حجم سرمایه	18
(Leshner & Miroudot, 2008)	گشودگی تجاری	19
(Alfaro et al, 2004)	توسعه تامین مالی	20
(Narula & Marin, 2003)	سرمایه انسانی	21
(Gersl, 2008)	نفوذ FDI	22

منبع: یافته های تحقیق

جهت بررسی سوالات پژوهشی در زمینه اولویت شاخص‌های مرتبط با ابعاد، از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. همان‌طور که بیان شد در این تحقیق از روش تحلیل عاملی اکتشافی به منظور تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، اما پیش از انجام این تحلیل لازم است مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور آزمون کفایت نمونه‌برداری و همچنین آزمون بارتلت به کار گرفته می‌شوند.

1. آزمون کفایت نمونه‌برداری: این آزمون با مقدار کی ام او¹ سنجیده می‌شود. شاخص KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها را می‌توان از سایر متغیرها تبیین کرد. مقدار کوچک این شاخص به معنای این است که همبستگی بین زوج متغیرها نمی‌تواند توسط متغیرهای دیگر تبیین شود. مقدار KMO همواره بین 0 و 1 در نوسان است. در صورتی که این مقدار کمتر از 0/5 باشد داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن 0/5 تا 0/69 باشد می‌تواند به تحلیل عاملی پرداخت، و در صورتی که مقدار آن بزرگ‌تر از 0/7 باشد، همبستگی‌های موجود بین داده‌ها برای تحلیل عاملی بسیار مناسب خواهد بود. همان‌طور که در جدول 3 نشان داده شده است مقدار KMO برای داده‌های جمع‌آوری شده برابر 0/735 است که نشان‌دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است.

2. آزمون بارتلت: از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از این حیث که ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرد در جامعه برابر با صفر نیست، باید از آزمون بارتلت² استفاده کرد. آزمون بارتلت این فرضیه را که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای غیر همبسته است، می‌آزماید. برای آن که یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند، در غیر این صورت دلیلی برای تبیین مدل عاملی وجود ندارد.

مقادیر کمتر از 0.05 برای سطح معناداری این آزمون بیانگر مناسب بودن مدل عاملی است. همان‌طور که در جدول 3 مشاهده می‌شود مقدار مذکور برابر صفر است، بنابراین داده‌ها همبسته و برای تحلیل عاملی مناسب‌اند.

¹. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO)

². Bartlett Test

جدول 3: نتایج آزمون KMO و آزمون بارتلت در نرم افزار SPSS

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.735
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	680.965
	Df	253
	Sig.	.000

منبع: یافته های تحقیق

در جدول 4 که در ضمیمه آورده شده است، ماتریس چرخش یافته به همراه عامل ها و بار عاملی هر یک از شاخص ها روی عامل ها نشان داده شده اند. برای تفسیر عامل ها باید مشخص شود که کدامیک از بارهای عاملی باید به عنوان مقادیر معنی دار لحاظ شوند. بنا بر نظر محققان بارهای عاملی که بزرگتر از 0/3 باشند معنی دار تلقی می شوند. بارهای عاملی که بیش از 0/4 باشند دارای سطح معنی داری بالا و بارهایی که بزرگتر از 0/5 باشند، بسیار معنی دار تلقی می شوند. بنابراین هرچه میزان بار عاملی بیشتر باشد سطح معنی داری آنها نیز در تفسیر ماتریس عاملی افزایش می یابد. استفاده از این معیار زمانی مناسب است که تعداد نمونه ها بیش از 50 مورد باشد.

در این تحقیق، مبنای معنی داری بار عاملی، 0/5 تعیین می شود. در نتیجه چنانچه متغیری (شاخصی) که روی هیچکدام از عوامل، بار عاملی بیشتر از 0/5 نداشته باشد، حذف می شود اما با توجه به جدول 4 به دلیل اینکه همه متغیرها بر روی عاملی خاص بار عاملی بیشتر از 0/5 دارند، هیچیک از متغیرها حذف نمی شوند.

همان طور که جدول 5، نشان می دهد 22 متغیر (شاخص) مورد مطالعه، روی 7 عامل بار دارند. جدول زیر این متغیرها را ذیل عامل های مربوطه شان، به نحو دقیق تری نشان می دهد.

جدول 5: طبقه بندی و اولویت بندی شاخص ها

اولویت	عامل	شاخص ها به ترتیب اولویت
اول	تکنولوژی (24/83)	1. سطوح تکنولوژی (0/726)
		2. پیچیدگی تکنولوژیکی (0/686)
		3. شکاف تکنولوژیکی (0/682)
		4. نوع آموزش (0/652)
		5. ظرفیت جذب (0/549)
		6. مدل های انتقال تکنولوژی (0/543)
		7. ارزش تکنولوژی (سطح نوآوری) (0/512)
		8. سرمایه انسانی (0/510)
دوم	نقش های FDI (16/23)	1. نفوذ FDI (0/706)
		2. ساختارهای بخشی FDI (0/689)
		3. حقوق مالکیت فکری (0/682)

اولویت	عامل	شاخص‌ها به ترتیب اولویت
		4. درجه‌ی مالکیت خارجی پروژه‌های سرمایه‌گذاری (0/555)
سوم	اثر منطقه‌ای (13/87)	1. اثر منطقه‌ای (فاصله (مسافت)) (0/896)
چهارم	تامین مالی (13/10)	1. حجم سرمایه (0/808)
		2. توسعه تامین مالی (0/656)
		3. گشودگی تجاری (0/530)
پنجم	زیر ساخت‌ها (11/57)	1. زیرساخت‌های پشتیبانی (0/802)
		2. محیط سیاسی تجاری (0/622)
		3. ورودی‌های واسطه‌ای (0/519)
ششم	ملیت (11/50)	1. نقش ملیت (0/821)
		2. وجود واسطه‌ها مشخصه‌های بنگاه داخلی (اندازه) (0/639)
هفتم	فرهنگ (8/86)	1. فرهنگ و زبان (0/856)

منبع: یافته‌های تحقیق

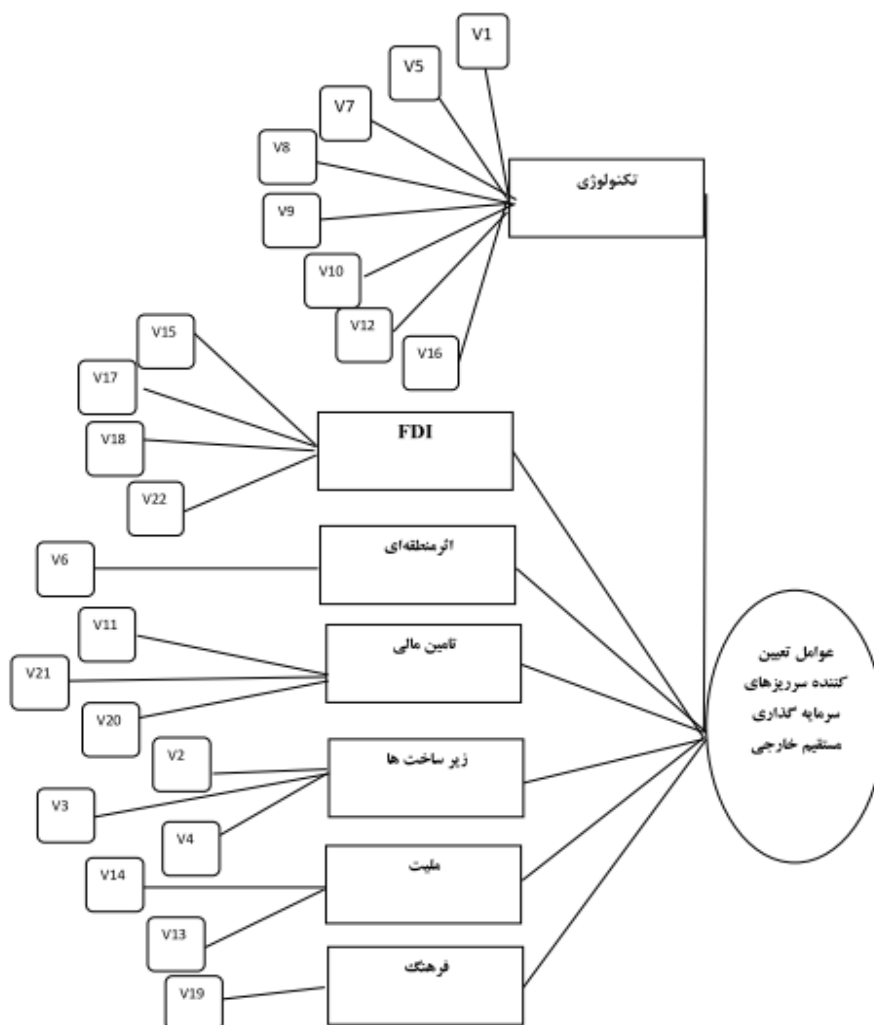
نتایج تحلیل عاملی زمانی مناسب خواهد بود که عامل‌های استخراج شده میزان قابل قبولی از مجموعه واریانس را تبیین نماید. در تحقیقات اجتماعی انسانی تبیین 60 درصد واریانس کفایت می‌کند. جدول زیر واریانس تبیین شده‌ی عامل‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است 7 عامل استخراج شده، بیش از 67 درصد واریانس را تبیین می‌کنند.

جدول 6: مقادیر ویژه عامل‌ها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	درصد از کل عامل‌ها
عامل 1	3/829	16/649	24/83
عامل 2	2/504	10/885	16/23
عامل 3	۲/140	۹/303	13/87
عامل 4	۲/020	۸/785	13/10
عامل 5	۱/785	۷/760	11/57
عامل 6	۱/774	۷/712	11/50
عامل 7	۱/367	۵/942	8/86
جمع	--	67/036	100

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول 5، ارتباط هفت عامل و 22 شاخص ابتدایی شناسایی شده، می‌تواند در قالب مدل زیر ارائه شود.



شکل 1: ارتباط عامل‌ها و شاخص‌ها

6- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این تحقیق در راستای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام گرفت. عامل‌ها و شاخص‌های بدست آمده و اولویت هر کدام می‌تواند بیانگر آموزه‌های خاصی در این حیطه باشند. به منظور ارتقاء جایگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، لازم است عامل تکنولوژی مناسب‌تر شود که بدین منظور پیشنهاد می‌شود ضمن ارتقاء سطوح تکنولوژی و آموزش در ایران به نوع آموزش کسب‌شده توسط کارمندان بها داده

شود، که اگر کارمندان، آموزش را در یک تکنولوژی پیشرفته‌تر یک بنگاه کسب نمایند، بنگاه‌های محلی مزیت کمتری را در کسب آن تکنولوژی بدست می‌آورند. از موارد دیگری که مورد اهمیت است و بر روی عامل تکنولوژی تاثیر می‌گذارد شکاف‌های گسترده تکنولوژیکی همراه با سهم‌های بازار بزرگ خارجی، شرایط مطلوب کمتری را برای ظهور سرریزها ایجاد می‌نماید. همچنین مقدار سرریزهای FDI با مقدار شکاف تکنولوژیکی، افزایش خواهد یافت و همچنین مقدار سرریزهای FDI فرصت‌هایی را برای بنگاه‌های داخلی به منظور کسب سطوح بالاتری از کارایی در مقابل تقلید از تکنولوژی خارجی (فرضیه‌های میان‌بر تکنولوژیکی) افزایش خواهد داد.

به هر حال، شکاف نمی‌بایست بیش از حد گسترده و عریض باشد زیرا این شکاف، بنگاه‌های داخلی را از جذب مزایای تکنولوژیکی شرکت‌های چندملیتی باز خواهد داشت. نکته مهم دیگری که باید مد نظر قرار داد این است که سرریزها یک بعد جغرافیایی محدود دارند یا حداقل اینکه سرریزها با فاصله (مسافت) کاهش می‌یابند. در نهایت نقش عامل فرهنگ باید بهتر شود که بدین منظور پیشنهاد می‌شود ضمن ارتقاء فرهنگ کار تیمی بین فعالان و واحدهای صنعتی مستقر در ایران به همکاری و تشریک مساعی بین سازمان‌ها، صنایع و شبکه‌ها به دلیل مشارکت در اطلاعات، منابع و معلومات، اظهار نظرات فنی و دیگر اشکال فعالیت مشترک بها داده شود، که موجب کاهش هزینه‌ها و بهینه‌سازی رقابت می‌گردد که منجر به تسریع یادگیری و نوآوری فنی و در نتیجه افزایش سرریزهای FDI می‌شود.

در انتها برای تحقق، تسریع و تسهیل سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توان از ابزارها و راه‌کارهای اقتصادی و حمایتی استفاده نمود که مهم‌ترین آنها را به ترتیب زیر می‌توان برشمرد:

1- اعطای معافیت‌های مالیاتی که معمولاً به صنایع پیشتاز، صنایع مدرن با تکنولوژی پیچیده و سرمایه‌بر اعطا می‌شود.

2- تعیین حد نصاب حجم تولید یا سرمایه‌گذاری‌ها.

3- دادن امتیازات گوناگون به شرکت‌ها به منظور تشویق سرمایه‌گذاری برای ارتقاء سطح

تکنولوژی با بهره‌گیری از ابزارهای تشویقی و حمایتی و تلفیق آنها با ابزارهای حمایتی

حقوقی، همچون تجویز راه‌اندازی واحدهای مستقل خارجی و صدور مجوز تاسیس

شرکت‌هایی با مالکیت صد درصد خارجی.

- 4- اهتمام جدی در خصوص افزایش انگیزه فعالین اقتصادی به انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه.
- 5- ایجاد هماهنگی مابین سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی به منظور توسعه بازار سرمایه انسانی جهت جذب تکنولوژی‌های نوین از مسیر واردات و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.
- 6- شناخت دقیق نسبت به ساختار اقتصادی به منظور انتخاب صحیح شرکای تجاری و اتخاذ سیاست‌های تشویقی جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در راستای جذب نیازهای فنی و دانش و منابع مالی مورد نیاز.

منابع و مأخذ

الف: منابع و مأخذ فارسی

1. احمدی، علی محمد. دهنوی، جلال. و حق‌نژاد، امین (1390). "رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه: یک تجزیه و تحلیل مبتنی بر داده‌های پانلی". پژوهشنامه اقتصادی 11(2): 159-180.
2. بهنام مجتهدی، ایرج (1373). "شرکت‌های چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهانی". اطلاعات سیاسی و اقتصادی 82(81-82): 98-107.
3. خاکی، غلامرضا (1389). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، تهران، انتشارات بازتاب، چاپ ششم.
4. کلاین، پل (1380). راهنمای آسان تحلیل عاملی. جلال صدرالسادات و اصغر مینایی؛ تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ب: منابع و مأخذ لاتین

1. Aitken, B., & Harrison, A. (1999). "Do Domestic Firms Benefit from Direct Foreign Investment? Evidence from Venezuela". American Economic Review 89(3): 605–618.
2. Aitken, B., Hanson, G., & Harrison, A. (1997). "Spillovers, foreign investment and export behaviour". Journal of International Economics 43: 103–132.
3. Akinkugbe, Oluyele (2003). "Flow of FDI to Hitherto Neglected Developing Countries". United Nations University, WIDER (World Institute for Developing Economics Research), Discussion Paper, No 2003/02.
4. Alfaro, L., Chanda, A., Kalemli-Ozcan, S., & Sayek, S. (2004). "FDI and Economic Growth: The Role of Local Financial Markets". Journal of International Economics 64(1): 89–112.
5. Alguacil M., Cuadros A. & V. Orts (2011). "Inward FDI and Growth: The Role of Macroeconomic and Institutional Environment". Journal of Policy Modeling 33: 481–496. Access: <http://www.sciencedirect.com>.
6. Asiedu, E. (2002). "On the Determinants of Foreign Direct Investment to Developing Countries: Is Africa Different? ". World Development 30(1): 107-119.
7. Azman-Saini W.N.W., Hook Law S. & A. Halim Ahmad (2010). "FDI and Economic Growth: New Evidence on the Role of Financial Markets". Economics Letters 107: 211–213. Access: <http://www.sciencedirect.com>.

8. Banga, R. (2003). *Do Productivity Spillovers from Japanese and US FDI Differ? Mimeo*. Delhi School of Economics. Indian Economic Reform, Palgrave MacMillan, New York.
9. Barrios, S., & Strobl, E. (2002). "Foreign Direct Investment and Productivity Spillovers: Evidence from the Spanish Experience". Weltwirtschaftliches Archiv **138**(3): 459-481.
10. Bhagwati, J. (1978). *Anatomy and Consequences of Exchange Control Regimes*, New York, Balinger Publishing.
11. Blomstrom, M., & Kokko, A. (1998). "Multinational Corporations and Spillovers". Journal of Economic Surveys **12**(3): 247-277.
12. Blomstrom, M. & Sjöholm, F. (1999). "Technology Transfer and Spillovers: Does Local Participation with Multinationals Matter?". European Economic Review **43**: 915-923.
13. Choong Ch., Zubaidi Baharumshah A., Yusop Z. & M. Shah Habibullah (2010). "Private Capital Flows, Stock Market and Economic Growth in Developed and Developing Countries: A Comparative Analysis". Japan and the World Economy **22**: 107-117. Access: <http://www.sciencedirect.com>.
14. Chunlai, C. (1997). "The Location Determinants of FDI in Developing Countries". CIES Discussion Paper Series **1**(3): 97 -112.
15. Damijan, J., Knell, M., Majcen, B., & Rojec, M. (2003). "Technology Transfer through FDI in Top-10 Transition Countries: How Important are Direct Effects, Horizontal and Vertical Spillovers?". William Davidson Working Paper 549.
16. Das, S. (1987). "Externalities and Technology Transfer through Multinationals Corporations – a Theoretical Analysis". Journal of International Economics **22**: 171-182.
17. Dimelis, S. (2005). "Spillovers from Foreign Direct Investment and Firm Growth: Technological, Financial and Market Structure Effects". International Journal of the Economics of Business **12**(1): 85-104.
18. Dimelis, S., & Louri, H. (2002). "Foreign Ownership and Production Efficiency: a Quantile Regression Analysis". Oxford Economic Papers **54**: 449-469.
19. Doytch N. & M. Uctum (2011). "Does the Worldwide Shift of FDI from Manufacturing to Services Accelerate Economic Growth? A GMM Estimation Study". Journal of International Money and Finance **30**: 410-427. Access: <http://www.sciencedirect.com>.
20. Driffield, N., & Love, J. (2003a). *Does the Motivation for Foreign Direct Investment Affect Productivity Spillovers to the Domestic Sector?*, Mimeo, University of Birmingham.
21. Driffield, N., & Love, J. (2003b). Foreign Direct Investment, Technology Sourcing and Reverse Spillovers. The Manchester School **71**(6): 659-672.

22. Dunning, J. (1993). *Multinational Enterprises and the Global Economy*. Wokingham, Addison-Wesley Publishing Company.
23. Ford, J. & Slater, J. (2001). "FDI, Regional Economic Integration and Endogenous Growth, Some Evidence from Southeast Asia". Pacific Economic Review 6(3): 383-399.
24. Fosfuri, A., & Motta, M. (1999). "Multinationals without Advantages". Scandinavian Journal of Economics 101(4): 617-630.
25. Fosfuri, A., Motta, M., & Ronde, T. (2001). "Foreign Direct Investment and Spillovers through Workers' Mobility". Journal of International Economics 53(1): 205-222.
26. Frawsen, G., Henrik, J. (2004). *FDI & Developing Countries, How To Attract Trans National Corporation?*. School of Economics and Management, LUND University, PP: 3.
27. Gersl, A. (2008). "Productivity, Export Performance, and Financing of the Czech Corporate Sector: The Effects of Foreign Direct Investment". Czech Journal of Economics and Finance 58(05-06): 232-247.
28. Girma, S. (2003). "Absorptive Capacity and Productivity Spillovers from FDI: a Threshold Regression Analysis". Working Paper 25/2003. European Economy Group.
29. Girma, S., & Wakelin, K. (2001). "Regional Underdevelopment: Is FDI the Solution? A Semi-parametric Analysis". GEP Research Paper 2001/11. University of Nottingham.
30. Glass, A., & Saggi, K. (2002). Multinational Firms and Technology Transfer. Scandinavian Journal of Economics 104(4): 495-513.
31. Greenaway, D., Sousa, N., & Wakelin, K. (2004). "Do Domestic Firms Learn to Export from Multinationals?". European Journal of Political Economy 20(4): 1027-1043.
32. Harrison, A. (1994). "Productivity, Imperfect Competition and Trade Reform". Journal of International Economics 36: 53-73.
33. Haskel, J., Pereira, S., & Slaughter, M. (2002). "Does Inward Foreign Direct Investment Boost the Productivity of Domestic Firms?". Working Paper 452. Department of Economics, Queen Mary, University of London.
34. Herzerd & Klasen, S. (2008). "In Search of FDI-led Growth in Developing Countries". Economic Modelling 25: 793-810.
35. Hu, A., & Jefferson, G. (2002). FDI Impact and Spillover: Evidence from China's Electronic and Textile Industries. The World Economy 25(8): 1063-1076.
36. Imbriani, C., & Reganati, F. (1999). "Productivity Spillovers and Regional Differences: Some Evidence on the Italian Manufacturing Sector". Discussion paper 48. Centro di Economia del Lavoro e di Politica Economica, Università degli Studi di Salerno.

37. Indra de soysa. (2003). *Foreign Direct Investment, Democracy and Development: Assessing contours, Correlates and Concomitants of Globalization*, London Today. Book Announcement 29.04.
38. Javorcik, B. (2004). "Does Foreign Direct Investment Increase the Productivity of Domestic Firms? In Search of Spillovers through Backward Linkages". *American Economic Review* **94**(3): 605–627.
39. Javorcik, B. (2004). "The Composition of Foreign Direct Investment and Protection of Intellectual Property Rights: Evidence from Transition Economies". *European Economic Review* **48**(1): 39–62.
40. Javorcik, B., & Spatareanu, M. (2003). "To Share or not to Share: does Local Participation Matter for Spillovers from Foreign Direct Investment?". *World Bank Policy Research Working Paper* 3118. Washington, DC: The World Bank.
41. Kamp, N.P. (2002). "Determinants of FDI in Developing Countries: has Globalization Changed the Rules of the Game?". Kieler Arbeitspapiere, *Kiel Working Papers* No. 1122, Kiel Institute for World Economics, Kiel.
42. Kanturia, V. (2000). "Productivity Spillovers from Technology Transfer to Indian Manufacturing Firms". *Journal of International Development* **12**: 343–369.
43. Kanturia, V. (2001). "Foreign Firms, Technology Transfer and knowledge Spillovers to Indian Manufacturing Firms: a Stochastic Frontier Analysis". *Applied Economics* **33**: 625–642.
44. Kanturia, V. (2002). "Liberalisation, FDI, and Productivity Spillovers – an Analysis of Indian Manufacturing Firms". *Oxford Economic Papers* **54**: 688–718.
45. Karpaty, P., & Lundberg, L. (2004). "Foreign Direct Investment and Productivity Spillovers in Swedish Manufacturing". *FIEF Working Paper Series* 194.
46. Keller, W., & Yeaple, S. (2003). "Multinational Enterprises, International Trade, and Productivity Growth: Firm-Level Evidence from the United States". *NBER working paper* 9504. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
47. Kinoshita, Y. (2001). "R&D and Technology Spillovers through FDI: Innovation and Absorptive Capacity". *CEPR Discussion Paper* 2775. London: Centre for Economic Policy Research.
48. Kogut, B., & Chang, S. (1991). "Technological Capabilities and Japanese Direct Investment in the United States". *Review of Economics and Statistics* **73**(3): 401–413.
49. Kohpaiboon, A. (2006). "Foreign Direct Investment and Technology Spillover: a Cross-Industry Analysis of Thai Manufacturing". *World Development* **34**(3): 541–556.

50. Kokko, A., Zejan, M., & Tansini, R. (2001). "Trade Regimes and Spillover effects of FDI: Evidence from Uruguay". Weltwirtschaftliches Archiv **137**(1): 124–149.
51. Kokko, A. (1994). "Technology, Market Characteristics, and Spillovers". Journal of Development Economics **43**(2): 279–293.
52. Kondo, Edson K. (1995). "The Effect of Patent Protection on Foreign Direct Investment". Journal of World Trade **29**(6): PP. 97-122.
53. Lall, S. (1980). "Vertical inter-Firm Linkages in LDCs: an Empirical Study". Oxford Bulletin of Economics and Statistics **42**(3): 203–226.
54. Leshner, M., & Miroudot, S. (2008). "FDI Spillovers and their Interrelationships with Trade". OECD Trade Policy Working Papers 80, OECD, Trade Directorate.
55. Li, X., Liu, X., & Parker, D. (2001). "Foreign Direct Investment and Productivity Spillovers in the Chinese Manufacturing Sector". Economic Systems **25**: 305–321.
56. Lin, P., & Saggi, K. (2004). *Multinational Firms and Backward Linkages: A Survey and a Simple Model*. Mimeo, Lingnan University and Southern Methodist University.
57. Markusen, J., & Venables, A. (1999). "Foreign Direct Investment as a Catalyst for Industrial Development". European Economic Review **43**: 335–356.
58. Moosa, I. A. (2002). *Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice*, London, Palgrave.
59. Musa Ahmed, E. (2012). "Are the FDI Inflow Spillover Effects on Malaysia's Economic Growth Input Driven?". Economic Modelling, Access: <http://www.sciencedirect.com>.
60. Narula, R., & Marin, A. (2003). "FDI Spillovers, Absorptive Capacities and Human Capital Development: Evidence from Argentina, Research Memoranda 018". Maastricht: MERIT, Maastricht Economic Research Institute on Innovation and Technology. Access: www.openarchive.cbs.dk
61. Ponomareva, N. (2000). "Are there Positive or Negative Spillovers from Foreign-Owned to Domestic Firms?". Working paper BSP/00/042. Moscow: New Economic School.
62. Ramachandran, V. (1993). "Technology Transfer, Firm Ownership, and Investment in Human Capital". Review of Economics and Statistics **75**(4): 664–670.
63. Rhee, Y. (1990). "The Catalyst Model of Development: Lessons from Bangladesh's Success with Garment Exports". World Development **18**(2): 333–346.
64. Rodriguez-Clare, A. (1996). "Multinationals, Linkages and Economic Development". American Economic Review **86**(4): 852–873.

65. Saggi, K. (2002). "Trade, Foreign Direct Investment, and International Technology Transfer: A Survey". The World Bank Research Observer **17**(2): 191–235.
66. Sgard, J. (2001). "Direct Foreign Investments and Productivity Growth in Hungarian Firms, 1992–1999". William Davidson Institute Working Paper 425.
67. Sinani, E., & Meyer, K. (2004). "Spillovers of Technology Transfer from FDI: the Case of Estonia". Journal of Comparative Economics **32**: 445–466.
68. Takii, S. (2005). "Productivity Spillovers and Characteristics of Foreign Multinational Plants in Indonesian Manufacturing 1990–1995". Journal of Development Economics **76**: 521–542.
69. Torlak, E. (2004). "Foreign Direct Investment, Technology Transfer, and Productivity Growth in Transition Countries – Empirical Evidence from Panel Data". Cege discussion paper 26.
70. UNCTAD (2006). *FDI from Developing and Transition Economies: Implications for Development*. World Investment Report. United Nations Publication.
71. Wafo, Kanga & Guyleopold (1998). *Political Risk and Foreign Direct Investment*, Faculty of Economic and Statistics, University of Konstanz.
72. Wang, J., & Blomstrom, M. (1992). "Foreign Investment and Technology Transfer: a Simple Model". European Economic Review **36**: 137–155.
73. Yudaeva, K., Kozlov, K., Malentieva, N., & Ponomareva, N. (2003). "Does Foreign Ownership Matter? The Russian Experience". Economics of Transition **11**(3): 383–409.

پیوست

جدول 4: ماتریس چرخش یافته در نرم‌افزار SPSS

Rotated Component Matrix ^a							
	Component						
	1	2	3	4	5	6	7
ظرفیت جذب	.549	.040	.282	.112	.435	.126	-.114
محیط سیاسی تجاری	.007	.378	.287	-.244	.622	-.158	-.091
ورودی‌های واسطه‌ای	.133	-.158	.206	.201	.519	.359	.408
زیرساخت‌های پشتیبانی	.220	.139	-.178	.043	.802	.151	.059
شکاف تکنولوژیکی	.682	.358	-.155	.204	.085	-.217	.069
اثر منطقه‌ای (فاصله (مسافت))	.214	-.038	.896	.229	.245	-.025	-.008
سطوح تکنولوژی	.726	.221	.162	.137	.101	-.012	.100
مدل‌های انتقال تکنولوژی	.543	-.131	.389	-.019	-.119	.120	.351
پیچیدگی تکنولوژیکی	.686	.132	-.013	.073	.174	.148	-.206
نوع آموزش	.652	-.070	.109	.061	.235	.329	-.054
گشودگی تجاری	.523	-.022	.111	.530	-.101	.152	-.072
سرمایه انسانی	.510	.256	.381	.083	-.100	.263	.144
مشخصه‌های بنگاه داخلی (اندازه)	.306	.044	.123	.217	.199	.639	.284
نقش ملیت	.080	.196	-.058	.041	.033	.821	-.150
درجه‌ی مالکیت خارجی پروژه‌های سرمایه‌گذاری	.483	.555	.076	-.163	.106	.102	.252
ارزش تکنولوژی (سطح نوآوری)	.512	.397	.271	-.128	-.009	.341	-.090
ساختارهای بخشی FDI	.322	.689	.000	.012	.161	.147	.057
حقوق مالکیت فکری	-.053	.682	.486	.265	-.014	.102	-.105
فرهنگ و زبان	-.091	.060	-.058	.127	.026	-.056	.856
توسعه تامین مالی	.107	.053	.120	.656	.032	.211	.200
حجم سرمایه	.054	.170	.181	.808	.008	-.073	.038
نفوذ FDI	.073	.706	.045	.464	.118	.049	-.046

a. Rotation converged in 17 iterations.

منبع: یافته‌های تحقیق